



گزارش کارشناسی

موضوعات مورد بررسی در سوین و چهارمین

جلسه شورای نگهبان در سال ۱۳۹۱

کد گزارش: ۹۱۰۰۰۲

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۰۱/۲۹

شناسنامه گزارش

موضوع:

گزارش کارشناسی

موضوعات مورد بررسی در سومین و چهارمین

جلسه شورای نگهبان در سال ۱۳۹۱

تهیه کننده: مرکز تحقیقات شورای نگهبان

ناظر علمی: معاون پژوهشی

شماره گزارش: ۹۱۰۰۰۲

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۱/۰۱/۲۹

فهرست مطالب

- ۱- لایحه حمایت خانواده ۱
- ۲- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و غنا ۱۱
- ۳- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و گینه بیسائو ۱۲
- ۴- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و تاجیکستان ۱۲
- ۵- لایحه موافقتنامه کمک و همکاری متقابل در مورد موضوعات گمرکی بین ایران و چین ۱۴
- ۶- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و بلاروس ۱۴
- ۷- لایحه موافقتنامه بازرگانی بین ایران و اکوادور ۱۶
- ۸- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و کومور ۱۷
- ۹- لایحه اساسنامه شرکت بین‌المللی اسلامی تأمین مالی تجاری (وابسته به بانک توسعه اسلامی) ۱۸
- ۱۰- اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران ۱۹
- ۱۱- اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی ۲۶

۱- لایحه حمایت خانواده

مقدمه توجیهی، ضرورتها و اهداف

«خانواده» به عنوان نهادی بنیادین، نقشی حیاتی در سعادت اعضای آن و استواری پایه‌های جامعه ایفا می نماید؛ به طوری که اصل دهم قانون اساسی بیان می دارد که «همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به نظریات شورای نگهبان در غیر شرعی اعلام کردن بخشی از مقررات مربوط به حقوق خانواده به ویژه قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳، برخی موارد با خلاء قانونی روبرو گردید. از سوی دیگر متشتت بودن مقررات خانواده و معلوم نبودن ناسخ و منسوخ آنها موجب بروز مشکلات عدیده ای در حل و فصل دعاوی خانوادگی شد. با توجه به موارد مذکور و با عنایت به نقش و جایگاه ویژه نهاد خانواده در نظام حقوقی و تربیتی اسلام و به منظور تحقق بخشیدن به مفاد اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با اذعان به وجود برخی کاستیها و نواقص در قوانین موجود حاکم بر نهاد خانواده و در نتیجه سردرگمی محاکم دادگستری در رسیدگی به دعاوی مطروحه و نیز آثار زیانباری که از رهگذر ابهام، اجمال، سکوت قوانین و عدم تطبیق آنها با واقعیات روز به نهاد خانواده و جامعه وارد می آید، ضرورت بازنگری در این قوانین و تدوین لایحه ای که تا حد امکان مشکلات

موجود را مرتفع نموده و نسبت به تنگناهای احتمالی آینده نیز پاسخگو باشد، به خوبی احساس می شود.

«لایحه حمایت خانواده» با در نظر گرفتن موارد مذکور تهیه و تصویب شده است.

برای نیل به اهداف مورد نظر، از جمله موارد زیر پیش بینی شده است:

۱. تأسیس دادگاه اختصاصی خانواده،
۲. رسیدگی به تمامی دعاوی خانوادگی به وسیله قضات متعدد،
۳. الزامی نمودن حضور بانوان دارنده پایه قضایی در محاکم خانواده و مداخله ایشان در فرایند دادرسی و صدور رأی،
۴. تأسیس مراکز مشاوره خانواده،
۵. تسهیل در اتخاذ تصمیم فوری دادگاه راجع به اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه،
۶. امکان انجام ابلاغ در دادگاه خانواده از طرق سریع مانند نمابر و پیامهای تلفنی و پست الکترونیکی،
۷. امکان طرح دعوی مادر برای مطالعه نفقه فرزند،
۸. امکان طرح برخی از دعاوی از سوی زوجه در محل اقامت خود.

قوانین و مقررات مربوط

ردیف	عنوان
۱	اصول (۱۰)، (۲۱) و (۱۵۸) قانون اساسی
۲	قانون راجع به ازدواج (مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳) (کمیسیون قوانین عدلیه)
۳	قانون راجع به انکار زوجیت (مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۲۰) (کمیسیون قوانین عدلیه)
۴	قانون مدنی کتاب دوم: در تابعیت (مواد ۹۸۴ الی ۹۸۷) کتاب چهارم: در اقامتگاه (مواد ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶) کتاب پنجم: در غایب مفقود الاثر (مواد ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰) کتاب ششم: در قرابت (مواد ۱۰۳۱ الی ۱۰۳۳) کتاب هفتم: در نکاح و طلاق (مواد ۱۰۳۴ الی ۱۱۵۷) کتاب هشتم: در اولاد (مواد ۱۱۵۸ الی ۱۱۹۴) کتاب نهم: در خانواده (مواد ۱۱۹۵ الی ۱۲۰۶) کتاب دهم: در حجر و قیمومیت (۱۲۰۷ الی ۱۲۵۶)
۵	قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج (مصوب ۱۳۱۷/۹/۱۳)
۶	قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵)
۷	قانون حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها (مصوب ۱۳۶۴/۵/۶)
۸	قانون مربوط به حق حضانت (مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۱)
۹	قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج (مصوب ۱۳۶۷/۲/۱۹)
۱۰	قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۴

۱۱	قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۸)
۱۲	قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی (دادگاه خانواده) (مصوب ۱۳۷۶/۵/۸)
۱۳	قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش (مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱)
۱۴	قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور (مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹)
۱۵	قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (مصوب ۱۳۸۵/۷/۲)

اظهار نظر کارشناسی

تبصره (۲) ماده (۱)

در حوزه قضایی بخش، تنها یک دادگاه عمومی وجود دارد و دادگاهها تفکیک به حقوقی و کیفری نشده اند.

رسیدگی دادگاه بخش به امور خانوادگی و کیفری و مدنی به طور همزمان، مخالف و مغایر بند (۴) سیاست های کلی قضایی نظام ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری است. «بند ۴ - تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز»، زیرا یکی از اهداف تشکیل دادگاه خانواده، علاوه بر اهمیت و سرنوشت ساز بودن آن، تشکیل مرجعی است که با فراغت بال از رسیدگی به دعاوی کیفری و مدنی غیر مرتبط، وقت خود را صرف تمرکز بر دعاوی خانوادگی نموده و از خلط و پیچیدگی مباحث غیر مرتبط جلوگیری نماید.

تبصره ماده (۴)

الف - حکم به اعتبار تصمیمات مراجع عالی اقلیت های دینی در امور حسبی و احوال شخصیه اقلیتهای دینی و مذهبی و لزوم تنفیذ و اجرای آن از سوی محاکم قضایی بدون رعایت تشریفات، مغایر اصول متعدد قانون اساسی به نظر می رسد که دائر بر صلاحیت «رسیدگی و صدور حکم» توسط محاکم قضایی دارد از جمله اصول ۳۶، ۱۶۶ و ۱۶۷ و بویژه مغایر بند (۱) اصل ۱۵۶ قانون اساسی است که تصریح بر «رسیدگی و صدور حکم» دارد.

ب - با توجه به اینکه در اصل دوازدهم قانون اساسی صرفاً به موضوع احوال شخصیه اشاره شده است، لذا عبارت «امور حسبی» موجب توسعه اصل یاد شده می شود، بنابراین از این حیث عبارت «امور حسبی» مغایر اصل مذکور است.

ماده (۵)

چگونگی پرداخت حق الزحمه کارشناسی و داوری در صورت معافیت طرفین به تشخیص دادگاه، معلوم و مشخص نبوده و از این حیث واجد ابهام است. توضیح ذیل ماده نیز رافع ابهام نیست، لذا عدم پرداخت هزینه کارشناس یا داور و مجانی تلقی کردن کار آنان مغایر اصول چهلم و چهل و ششم قانون اساسی است.

تبصره ماده (۸)

با توجه به اینکه الزام به ذکر و اعلام آخرین اقامتگاه به دادگاه در صورتی که خواهان از آخرین اقامتگاه خوانده مطلع نباشد، می تواند موجب رد دادخواست بشود

و ذیل تبصره نیز حکم به تحقیق و اتخاذ تصمیم دادگاه به طرق مقتضی نیز به موردی برمی گردد که آخرین اقامتگاه اعلام گردد، لذا این حکم می تواند مغایر بند (۱۴) اصل سوم و نیز اصل سی و چهارم قانون اساسی باشد، چون موجب تضییع حق دادرسی می باشد.

ماده (۹)

واژه «پست الکترونیک» به دلیل عدم ذکر معادل فارسی آن (رایانامه) مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.

ماده (۱۰)

درخواست یکی از طرفین برای تأخیر جلسه دادرسی ممکن است عمدی بوده که در این صورت موجب اطاله دادرسی خواهد شد، لذا از این حیث مغایر بند (۶) سیاستهای کلی قضایی نظام در خصوص کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب می باشد.

ماده (۱۲)

به موجب ماده (۱۱) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی - مصوب ۱۳۷۹ - دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد.

لذا با عنایت به این که ایجاد امتیاز و تسهیلات برای زوجه بدون دلیل می باشد و دادن مزیت اقامه دعوا در محل سکونت زوجه در جایی که محل سکونت زوج غیر از

زوجه است، تبعیض ناروا محسوب می شود، بنابراین مغایر بند (۹) اصل سوم قانون اساسی است و با عنایت به اینکه براساس اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند، لذا دادن امتیاز به زنان جهت اقامه دعوا در محل سکونت خود مغایر اصل مذکور است.

ماده (۱۳)

قسمت اخیر ماده که متضمن اعطای امتیاز بدون دلیل به زوجه است، مغایر بند (۹) اصل سوم و اصل بیستم قانون اساسی است.

ماده (۱۴)

دادن امتیاز به زوجه ای که محل سکونت موقت وی در ایران است، بدون دلیل به صرف زوجه بدون وی، مغایر بند (۹) اصل سوم و اصل بیستم قانون اساسی است.

ماده (۱۶)

به جهت آنکه وظایف محوله به مراکز مشاوره در اصل ۱۵۸ و به تبع آن در اصل ۱۵۶ منعکس نشده است، فلذا این ماده موجب توسعه اصل ۱۵۸ شده و مغایر قانون اساسی است. مراکز مشاوره خانواده فاقد صلاحیت قضایی بوده و اصولاً خارج از امور قضایی هستند و با هیچ یک از مفاد اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ همخوانی نداشته و موجب توسعه اختیارات رییس قوه و در تغایر با قانون اساسی است.

ماده (۱۷)

الف - واگذاری تمام امور این مراکز به رییس قوه قضاییه براساس آیین نامه مصوب

مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ است چرا که خدمات این مراکز ارتباطی به اصل ۱۵۶ نداشته و موجب توسعه اصل ۱۵۸ خواهد شد.

ب - با توجه به اینکه مراکز مشاوره، واحدهای غیر قضایی محسوب می شوند و ارتباط آنها با قوه مجریه ملموس و محسوس است، لذا ورود رییس قوه قضاییه به این حوزه و تصویب آیین نامه اجرایی مربوط به آن، مغایر اصول شصتم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

ج - با عنایت به اینکه تعیین تعداد اعضا، نحوه انتخاب، گزینش و نحوه رسیگی به تخلفات اعضای مراکز مشاوره و شیوه انجام وظایف به دلیل وضع قواعد آمره متضمن حق و تکلیف برای عامه مردم و ارتباط آن با تنظیم و تنسيق امور مربوط به وابستگان دادگستری از جمله موضوعات تقنینی محسوب می شود، لذا تصویب این موضوعات براساس آیین نامه مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. لازم به ذکر است چارچوبها و ضوابط مورد نظر برای مشاوران در قانون تشکیل سازمان نظام روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۲ - توسط قانونگذار تعیین شده است.

د - تعیین تعرفه خدمات مشاوره ای توسط رییس قوه قضاییه به دلیل اینکه ماهیت قضایی ندارد و جزء صلاحیتهای هیئت وزیران محسوب می شود، مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی می باشد.

تبصره ماده (۱۹)

تبصره ماده (۱۹) ابهام دارد، زیرا مشخص نیست که دادگاه اختیار دارد یا اینکه

موظف است که با در نظر گرفتن نظریه کارشناسی مراکز خانواده مبادرت به صدور رأی نماید.

اگر موظف باشد، این امر با اصل استقلال قاضی مندرج در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی مغایرت دارد. بنابراین مکلف کردن دادگاه به تبعیت از نظر مراکز مشاوره (به عنوان اصل) امری خلاف استقلال مقام قضایی است و به منزله الزام مراجع عالی به تبعیت از نظر مراجع تالی است.

تبصره ماده (۲۱)

با توجه به این که ثبت وقایع مربوط به احوال شخصیه از جمله ازدواج و طلاق جزء قواعد موجد حق و تکلیف برای عموم مردم می باشد و ماهیت تقنینی دارد، لذا تصویب ضوابط و چارچوبهای آن به موجب آیین نامه مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره ماده (۲۳)

قسمت اخیر تبصره مبنی بر منع تولید نسل با اصل بیستم قانون اساسی مبنی بر برخورداری همه افراد ملت از حقوق انسانی از جمله حق بچه دار شدن مغایر است.

ماده (۲۷)

استثناء کردن طلاق توافقی از بحث داورى، با مفاد اصل دهم قانون اساسی مبنی بر این که همه قوانین و مقررات باید در جهت استواری روابط خانوادگی باشد، مغایر است.

ماده (۳۲)

در این ماده پس از شناسایی حق مطالبه حق الزحمه توسط زن پس از طلاق، ذکر

شده است: «با توجه به سنوات زندگی مشترک و وسع مالی و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده است، مبلغی را از باب نحله برای زوجه تعیین می کند.» این حکم با اندکی تغییر، از تبصره (۶) ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق اخذ شده است که با توجه به اینکه فقهای معزز شورای نگهبان آن را فاقد مبنای شرعی می دانستند از تأیید آن خودداری کردند و تبصره مذکور نهایتاً به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. بنابراین ایراد عدم مطابقت با شرع بار دیگر نسبت به این ماده قابل مطرح شدن است.

ماده (۳۵)

در ماده (۳۵) ذکر شده است که مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی می باشد. به نظر می رسد این امر محل ایراد و ابهام است زیرا معمولاً تاریخ ابلاغ رأی قطعی بسیار بیشتر از تاریخ قطعی شدن رأی است و بر همین اساس شروع مهلت سه ماه متغیر خواهد شد. متغیر بودن و مشخص نبودن شروع مهلت سه ماه این نتیجه را در پی دارد که دادگاه را مختار می سازد که یکی از دو تاریخ فوق را مبنای شروع مهلت اعتبار گواهی قرار دهد و از این جهت طرفین دعوا دچار سردرگمی خواهند شد. زیرا نمی دانند که دادگاه در نهایت تاریخ ابلاغ رأی را ملاک قرار خواهد داد یا ملاک قطعی شدن رأی را. مضافاً ممکن است کسی به اعتبار این که گواهی او سه ماه از تاریخ ابلاغ اعتبار دارد، برنامه های خود را تنظیم کند ولی دادگاه بعداً

به او اعلام کند که شروع مهلت را از تاریخ قطعی شدن رأی ملاک قرار داده است. لذا از این حیث به دلیل عدم تأمین امنیت قضایی عادلانه مندرج در بند (۱۴) اصل سوم قانون اساسی مغایرت قانونی دارد.

ماده (۵۷)

براساس ماده (۵۳۹) قانون مجازات اسلامی گواهی خلاف واقع پزشک شش ماه تا دو سال حبس در پی دارد، ولی در این ماده این مجازات به یک تا پنج سال محرومیت از طبابت تبدیل شده که مغایر با بند (۱۵) سیاستهای کلی قضایی نظام مبنی بر تنقیح قوانین قضایی است.

۲- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و غنا

اظهار نظر کارشناسی

الف - در بند (۳) ماده (۶) موضوع خسارت تأدیه پرداخت از لحاظ موازین شرعی محل تأمل است.

ب - عدم تصریح به موضوع ارجاع به دادرسی و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی مندرج در اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی در موارد (۱۲) و (۱۳) موافقت نامه مغایر اصل مذکور است.

۳- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و گینه

بیسائو

ماده ۱۲

با توجه به اینکه طبق مفاد این موافقت نامه از جمله مواد ۱، ۳ و ۴؛ سرمایه گذار یا سرمایه پذیر می تواند از اشخاص حقوقی باشد که شامل اشخاص حقوقی عمومی و دولتی نیز می باشد؛ لذا اطلاق این ماده در ارجاع اختلافات به داوری بدون رعایت ترتیبات قانونی و قانون اساسی، مغایر اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی می باشد.

ماده ۱۳

این ماده حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر این موافقت نامه را ابتداء از طریق مذاکره و به طور دوستانه و در صورت عدم توافق از طریق ارجاع به داوری (با رعایت قوانین و مقررات مربوط خود) مقرر نموده است، و با توجه به اینکه موافقت نامه ها طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون بوده و طبق اصل ۷۳ قانون اساسی تفسیر قانون عادی به عهده مجلس شورای اسلامی می باشد؛ این ماده مغایر اصل هفتاد و سوم قانون اساسی می باشد.

۴- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و تاجیکستان

اظهار نظر کارشناسی

کلیات

با توجه به اینکه مفاد این موافقتنامه ماهیت قضایی دارد و لذا می تواند مصداق بارز لایحه

قضایی باشد و طبق بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی تهیه لوایح قضایی از اختیارات رئیس قوه قضائیه بوده و همچنین مطابق با تفسیر شورای محترم نگهبان به شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ «هیأت دولت نمی تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی برای تصویب نهایی ارسال نماید». لذا به نظر می رسد هر چند در رویه موجود این امر واقع می شود اما به نظر می رسد تهیه و ارسال این گونه لوایح با ماهیت قضایی بدون کسب نظر موافق رئیس قوه قضائیه مغایرت آشکار با اصول ۵۷ و ۶۱ و بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی دارد. لذا کلیات این لایحه و نیز موادی که برای مراجع و دستگاه قضایی الزاماتی را تعیین نموده است مغایر با اصول ۵۷ و ۶۱ و بند ۲ اصل ۱۵۸ می باشد.

ماده ۱۱

نفی صلاحیت قوه قضائیه به عنوان نهاد قضائی دولت ایران در حیطه سرزمین ایران بر طبق مفاد این ماده که بیان می دارد نمی توان متهم را در جرمی غیر از آنچه توافق شده است مورد پیگرد و مجازات قرار داد مصداق بارز نفوذ اجانب (بند ۵ اصل سوم) و نفی سلطه پذیری (بند ج اصل دوم) می باشد و از طرفی استقلال قوه قضائیه و صلاحیت سرزمینی او را مورد خدشه قرار می دهد. همچنین عدم امکان مجازات مجرمین تبعه ایران در جرایم توافق نشده باعث ایجاد تبعیضات ناروا بین مردم ایران می گردد لذا ماده ۱۱ مغایر با بند ج اصل دوم و بند ۵ اصل سوم و اصول ۵۷ و ۶۱ و در نهایت بند ۹ اصل سوم قانون اساسی می باشد.

بند ۳ ماده ۱۲

ذکر مدت های ۲۵ و ۴۰ روز براساس استدلال ماده ۴ مغایر با اصل ۳۲ قانون اساسی می باشد.

هـ- لایحه موافقتنامه کمک و همکاری متقابل در مورد موضوعات گمرکی بین

ایران و چین

ماده ۱۵

بند ۳۰۲ این ماده حل و فصل هر مشکل یا تردید در مورد تفسیر این موافقت نامه را از طریق توافق دوجانبه مقرر نموده است و در مورد اختلافاتی که برای آنها هیچ راه حلی پیدا نشود، از طریق راه های دیپلماتیک مقرر نموده است و با توجه به اینکه موافقت نامه ها طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون بوده و طبق اصل ۷۳ قانون اساسی تفسیر قانون عادی به عهده مجلس شورای اسلامی می باشد؛ لذا این ماده مغایر اصل هفتاد و سوم قانون اساسی می باشد.

تذکر: در سطر آخر بند ۱ ماده ۱۴ عبارت «پرداخت شده خواهد شد» به نظر می رسد به صورت «پرداخت خواهد شد» صحیح باشد؛ لذا اصلاح عبارتی لازم می باشد.

ع- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و بلاروس

اظهار نظر کارشناسی

کلیات

با توجه به اینکه مفاد این موافقتنامه ماهیت قضایی دارد و لذا می تواند مصداق بارز لایحه قضایی باشد و طبق بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی تهیه لوایح قضایی از اختیارات رئیس قوه قضائیه بوده و همچنین مطابق با تفسیر شورای محترم نگهبان به شماره

۱۰۶۵/۲۱/۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ «هیأت دولت نمی تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی برای تصویب نهایی ارسال نماید». لذا به نظر می رسد هر چند در رویه موجود این امر واقع می شود اما به نظر می رسد تهیه و ارسال این گونه لوایح با ماهیت قضایی بدون کسب نظر موافق رئیس قوه قضائیه مغایرت آشکار با اصول ۵۷ و ۶۱ و بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی دارد. لذا کلیات این لایحه و نیز موادی که برای مراجع و دستگاه قضایی الزاماتی را تعیین نموده است مغایر با اصول ۵۷ و ۶۱ و بند ۲ اصل ۱۵۸ می باشد.

بند (ب) ماده ۵

از آنجایی که تعقیب جزایی و اجرای حکم قضائی در حقوق داخلی ایران شامل مرور زمان نمی شود لذا این امر موجب ناعادلانه بودن قرارداد موافقتنامه نسبت به ایران می شود و لذا موجب سلطه بیگانه (بند ج اصل دوم) و نفوذ اجانب (بند ۵ اصل سوم) می گردد. از طرفی این ماده باعث ایجاد تبعیض ناروا بین اتباع ایرانی در مواردی که بر اساس حکم این ماده بر اثر مرور زمان، فردی از تبعه ایران مصونیت از تعقیب و مجازات پیدا می کند می گردد. لذا این بند مغایر بند ج اصل دوم و بندهای ۵ و ۹ اصل سوم می باشد.

بند ۳ ماده ۱۰

با توجه به اصل ۳۲ قانون اساسی که بیان می دارد در صورت بازداشت، موضوع اتهام به متهم تفهیم گردد و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال شود، لذا مدت شصت روز ذکر شده در بند ۳ که بیش از این محدوده زمانی تعیین شده در اصل مذکور است، مغایرت با اصل ۳۲ قانون اساسی دارد.

ماده ۱۱

نفی صلاحیت قوه قضائیه به عنوان نهاد قضائی دولت ایران در حیطه سرزمین ایران بر طبق مفاد این ماده که بیان می دارد نمی توان متهم را در جرمی غیر از آنچه توافق شده است مورد پیگرد و مجازات قرار داد مصداق بارز نفوذ اجانب (بند ۵ اصل سوم) و نفی سلطه پذیری (بند ج اصل دوم) می باشد و از طرفی استقلال قوه قضائیه و صلاحیت سرزمینی او را مورد خدشه قرار می دهد. همچنین عدم امکان مجازات مجرمین تبعه ایران در جرایم توافق نشده باعث ایجاد تبعیضات ناروا بین مردم ایران می گردد لذا ماده ۱۱ مغایر با بند ج اصل دوم و بند ۵ اصل سوم و اصول ۵۷ و ۶۱ و در نهایت بند ۹ اصل سوم قانون اساسی می باشد.

ماده ۱۴

دادن تضمین به کشور بیگانه برای اجرا نکردن حکم اعدام، هم موجب تحدید مسئولیت قوه قضایه (صلاحیت سرزمینی) می شود هم موجب تبعیض ناروا بین اتباع ایران می گردد، لذا مغایر با بند ج اصل دوم و بند ۵ اصل سوم و اصول ۵۷ و ۶۱ و در نهایت بند ۹ اصل سوم قانون اساسی می باشد.

۷- لایحه موافقتنامه بازرگانی بین ایران و اکوادور

ردیف (ب) بند ۳ ماده ۳

ارائه کمک برای توسعه فنی و بهبود بهره وری در بند مذکور بدون تصویب مجلس مغایر اصل هشتادم قانون اساسی است که دادن وام و کمک از طرف دولت ایران را

منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده است.

ماده ۴

اعطای تسهیلات توسط ایران به طرف مقابل موافقتنامه به منظور مبادله کالاهای ساخته شده ممکن است شامل کمک ها و وام بلاعوض مذکور در اصل هشتاد قانون اساسی باشد؛ لذا اطلاق ماده به دلیل عدم ذکر تصویب مجلس شورای اسلامی در اعطای تسهیلات مغایر اصل ۸۰ می باشد.

۸- لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و کومور

اظهار نظر کارشناسی

بند ۱ ماده ۲

از حیث اطلاق مفهوم « تشویق » می توان این بند را مغایر با برخی اصول قانون اساسی مانند اصل ۸۰ که محدودیت هایی را برای دادن کمک مالی در نظر گرفته است، دانست . باید مانند بند ۲ این ماده قید با رعایت قوانین و مقررات اضافه گردد .

ماده ۱۱

سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی که در این ماده از آن به عنوان مرجع صلاحیت دار جمهوری اسلامی ایران نام برده شده است ، دارای اساسنامه مصوب ۱۳۵۴ است که میزان انطباق بند ۳ ماده ۵، بند ۶ ماده ۸ و ماده ۱۵ اساسنامه مذکور با اصول قانون اساسی قابل تأمل است.

۹- لایحه اساسنامه شرکت بین‌المللی اسلامی تأمین مالی تجاری (وابسته به بانک توسعه اسلامی)

جزء الف بند ۲ ماده ۸

عبارت «سندیکا» مذکور در این جزء کلمه‌ای غیر فارسی بوده و معادل فارسی (اتحادیه) نیز دارد. لذا استفاده از آن مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی می‌باشد.

جزء خ بند ۲ ماده ۲۱ و ماده ۴۷

به لحاظ اینکه اختیار اصلاح این موافقت‌نامه به مجمع عمومی با یک حد نصاب خاصی سپرده شده است و سیر مراحل قانون اساسی ذکر نگردیده است، مغایر اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی می‌باشد.

بند ۲ ماده ۴۸

این بند تفسیر این موافقت‌نامه را به هیأت مدیره واگذار کرده است، و با توجه به اینکه موافقت‌نامه‌ها طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون بوده و طبق اصل ۷۳ قانون اساسی تفسیر قانون عادی به عهده مجلس شورای اسلامی می‌باشد؛ این بند مغایر اصل هفتاد و سوم قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۵۵

در ذیل این ماده تاریخ تهیه و تصویب موافقت‌نامه به تاریخ هجری قمری و میلادی ذکر شده است و تاریخ هجری شمسی ذکر نشده است که این امر مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی می‌باشد.

۱۰- اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران

سابقه قانونی

به موجب ماده (۵) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - به منظور تأمین موجبات و امکانات بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت، افراد نیازمند، روستائیان و سایر گروههای اجتماعی، سازمان بیمه خدمات درمانی تشکیل و به صورت شرکت دولتی اداره خواهد شد.

در بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه - مصوب ۱۳۸۹ - به دولت اجازه داده شد بخشهای بیمه های درمانی کلیه صندوقهای موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور را در سازمان بیمه خدمات درمانی ادغام نماید. تشکیلات جدید سازمان بیمه سلامت ایران نامیده می شود و کلیه امور مربوط به بیمه سلامت در این سازمان متمرکز می شود. اساسنامه سازمان مذکور نیز با پیشنهاد معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می رسد. بر این اساس اساسنامه مذکور پس از تصویب هیئت وزیران جهت طی تشریفات قانونی به شورای نگهبان ارسال شده است.

اظهار نظر کارشناسی

۱. بر اساس تبصره (۱) بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه، شمول مفاد این بند به صندوقهای خدمات درمانی نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات با اذن مقام معظم رهبری است، لذا اطلاق ماده (۲) و تبصره (۱) ماده (۵) بدون اخذ مجوز مقام

معظم رهبری موجب توسعه قانون و از این جهت مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی و از جهت عدم تصریح به اذن مقام معظم رهبری مغایر اصل پنجاه و هفتم و بند (۴) اصل یکصد و دهم قانون اساسی است.

۲. بر اساس ماده (۱۸) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳ - اعمال این قانون در ارتباط با کمیته امداد امام خمینی (ره) و امور مرتبط با نیروهای مسلح منوط به اذن مقام معظم رهبری می باشد، لذا اداره سازمان بیمه سلامت ایران بر اساس قانون مذکور که متضمن مفاد ماده (۱۸) نیز است، مغایر اصل پنجاه و هفتم و بند (۴) اصل یکصد و دهم قانون اساسی است.

۳- با توجه به اینکه بر اساس تبصره (۳) بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه، وظایف، اختیارات و مسئولیت های شورای عالی بیمه سلامت کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد، لذا تعیین وظیفه برای شورای مذکور به شرح مندرج در تبصره ماده (۲) قانونگذاری تلقی می شود و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره (۲) ماده (۴)

به موجب تبصره (۳) ماده (۱۳) قانون اجرای سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی « - مصوب ۱۳۸۷ - افتتاح و تداوم فعالیت دفاتر و شعب خارج از کشور شرکتهای دولتی تنها با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مجاز است ، لذا موجب خروج از اذن قانونگذار شده است و از این

جهت مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره (۱) ماده (۴)

با توجه به اینکه در ماده (۴) مرکز اصلی صندوق در تهران تعیین شده است و اصولاً تعیین مرکز اصلی شرکتهای دولتی جنبه اساسنامه‌ای دارد و نمی‌توان اصلاح آن را به نهاد و مرجع دیگری تفویض کرد، لذا اعطای صلاحیت به هیئت امناء در خصوص جابجایی مرکز اصلی صندوق به شرح مندرج در تبصره (۱) ماده (۴) مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

ماده (۴)

نظر به اینکه تبصره (۱) ماده (۱۲) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳ - مقرر نموده است:

«تبصره ۱- نهادهای، سازمانها، مؤسسات و صندوقهای اصلی فعال در قلمروهای بیمه ای، حمایتی و امدادی این نظام مکلفند امور اجرایی و تصدی‌گری خود در زمینه تولید و ارائه خدمات و تعهدات قانونی مربوطه را به موجب قراردادهایی که ضوابط آن با پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی تعیین خواهد شد به مؤسسات کارگزاری محول نمایند.»

بنابر این مفاد ماده (۴) در قسمتی از آن که پیش‌بینی شده است سازمان می‌تواند از طریق واگذاری برخی از امور به کارگزاری‌ها نسبت به انجام وظایف قانونی خود اقدام نمایند از دو جهت واجد ایراد است:

یکی از آن جهت که به موجب تبصره یادشده صندوقهای بیمه‌ای مکلف به واگذاری امور اجرایی و تصدی‌گری به موسسات کارگزاری شده‌اند، در حالی که قسمت اول ماده (۴) با عبارت «می‌تواند در تهران و سایر مناطق کشور از طریق شعب و نمایندگی‌ها یا از طریق واگذاری...» دلالت بر تجویز انجام امور موضوع تبصره (۱) ماده (۱۲) قانون یاد شده توسط شعب و نمایندگی‌ها دارد و این امر مغایر تکلیف موضوع تبصره (۱) ماده (۱۲) می‌باشد، به علاوه در ماده (۴) پیش‌بینی شده است که برخی از امور به کارگزارها محول گردد و این عبارت به معنای آن است که کلیه امور اجرایی و تصدی‌گری واگذار نشود و این امر نیز مغایر تبصره (۱) ماده (۱۲) می‌باشد، لذا به دلیل خروج از حدود اذن قانونی، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «س» ماده (۷)

قرار دادن وظیفه «اقامه دعوا در مراجع قانونی» در زمره وظایف سازمان بیمه سلامت ایران به شرح بند «س» ماده (۷) وجاهتی ندارد و این امر مطابق قوانین و اساسنامه‌های مشابه در زمره وظایف مدیر عامل قرار دارد.

بند «ع» ماده (۷)

مطابق تبصره (۳) بند «ب» ماده (۳۸) قانون برنامه پنجم توسعه، وظایف، اختیارات و مسئولیتهای شورای عالی بیمه سلامت باید با تقدیم لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، در حالی که چنانکه ذکر شد مقدمتاً باید این وظایف و اختیارات به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و مبتنی بر آن قانون، اساسنامه از جمله مشتمل بر

نحوه اجرای وظایف قانونی شورای عالی بیمه سلامت تنظیم گردد، لذا باعنایت به اینکه شرح وظایف و صلاحیتهای شورای عالی بیمه سلامت تا کنون معلوم نشده است، اطلاق حکم مندرج در بند مذکور به جهت ضرورت تعیین وظایف شورای مذکور بر اساس قانون، موجب خروج از اذن مقنن است و از این حیث مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

بند «ل» ماده (۷)

تعیین ضوابط مربوط به انعقاد و فسخ قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی توسط هیئت امنای با توجه به ماهیت تقنینی آن، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است و اگر جنبه آیین نامه‌ای داشته باشد، بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، هیئت وزیران مرجع صلاحیتدار برای وضع و تصویب آن است نه هیئت امنای سازمان بیمه سلامت، لذا از این حیث نیز مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

بند «م» ماده (۷)

با توجه به ماهیت آیین نامه‌ای و جنبه مقررات گونه ضوابط مربوط به تنظیم و بررسی اسناد و مدارک پزشکان، گروهها و مؤسسات پزشکی طرف قرارداد، اعطای صلاحیت تصویب این موضوع به مرجعی غیر از هیئت وزیران (یعنی هیئت امنای سازمان مذکور)، مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

لازم به ذکر است بر اساس بند «ب» ماده واحده قانون اصلاح ماده (۱۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و چگونگی تعیین مدیریت سازمان تأمین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی و بیمه‌های درمانی - مصوب ۱۳۸۸-، هیئت امنای مذکور در

بند (ب) یعنی شش نفر پیشنهادی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و سه نفر مطابق جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی از نمایندگان خدمات گیرندگان، در حکم هیئت امنای صندوقهای بیمه های خدمات درمانی خواهند بود، لذا به دلیل حضور افراد غیر وزیر در هیئت امنای سازمان بیمه سلامت ایران، تصویب مقررات آیین نامه ای توسط هیئت مذکور مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

بند «د» ماده (۹)

با توجه به اینکه موضوعات مربوط به امور اداری و استخدامی شرکتهای دولتی در قانون مدیریت خدمات کشوری توسط قانونگذار تعیین تکلیف شده است و مقنن صلاحیتی برای هیئت امنای سازمان بیمه خدمات درمانی پیش بینی نکرده است، لذا اعطای صلاحیت به هیئت امنای برای تصویب آیین نامه اداری و استخدامی موجب خروج از اذن مقنن است و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. همچنین با توجه به اینکه بر اساس مفاد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه و ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه، هیئت وزیران مرجع تصویب آیین نامه مالی و معاملاتی شرکتهای دولتی تعیین شده بود و این حکم در قانون برنامه پنجم توسعه تنفیذ نشده است، لذا حتی اگر در بند «د» ماده (۹)، صلاحیت تصویب آیین نامه مالی و معاملاتی به هیئت وزیران نیز پیش بینی می شد، این امر به دلیل فقدان مجوز قانونی مغایر اصل هشتاد و پنجم تلقی می شد، بنابر این تعیین هیئت امنای سازمان بیمه سلامت ایران به عنوان مرجع

تصویب آیین نامه مالی و معاملاتی به دلیل فقدان جواز قانونی مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی و از جهت اینکه مرجع تصویب آیین نامه بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی هیأت وزیران است، به دلیل حضور افراد غیر وزیر در هیئت امناء مغایر اصل مذکور است.

بند «ب» ماده (۱۶)

مطابق ماده (۴) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰-، دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند، ممنوع می‌باشد. قانونگذار در برخی قوانین مجوز لازم را برای دستگاههای اجرایی صادر کرده است که می‌توان به هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، بنیاد شهید و امور ایثارگران، شوراهای آموزش و پرورش مناطق کشور، صندوق رفاه دانشجویان، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان مدیریت بحران کشور، صندوق تأمین خسارتهای بدنی سازمان بهزیستی کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور،

سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، سازمان انتقال خون ایران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، صندوق تأمین اجتماعی و شهرداری اشاره کرد، لذا چون مجوزی از سوی قانونگذار، در این زمینه برای سازمان بیمه سلامت ایران صادر نشده است، حکم بند «ب» ماده (۱۶) به دلیل خروج از حدود اذن قانونگذار مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «د» ماده (۱۶)

باعنایت به اینکه وجوه حاصل از خسارات، جرایم و جزایهای نقدی بر اساس اصل پنجاه و سوم قانون اساسی جزء دریافتیهای دولت محسوب می شود و باید در حسابهای خزانه داری کل متمرکز شود، لذا تلقی وجوه مذکور به عنوان منابع درآمدی سازمان بیمه سلامت ایران، مغایر اصل مذکور است و از جهت اینکه در قوانین مربوط چنین حکمی پیش بینی نشده است، لذا موجب خروج از اذن مقنن و از این جهت مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

۱۱- اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی

ماده (۲)

حکم استقلال استخدامی و اداری و مالی و معاملاتی نیازمند مجوز مقنن است و چون چنین حکمی در ماده (۵) قانون حمایت از شرکتهای و موسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوریها و اختراعات - مصوب ۱۳۸۹ - وجود ندارد، لذا از این حیث خروج

از اذن مقنن و مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

ماده (۴)

عبارت سایر منابع به دلیل توسعه حکم مقنن (مندرج در تبصره (۲) ماده (۵) قانون مذکور) موجب خروج از اذن مقنن و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند (۶) ماده (۵)

با عنایت به اینکه منابع مالی صندوق در ماده (۵) قانون مذکور احصا شده است، لذا بند (۶) ماده (۵) ناظر به سایر کمکهای مالی خروج از اذن مقنن و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

ماده (۵)

با توجه به اینکه در ماده (۵) قانون یاد شده، یکی از منابع مالی صندوق، اعتبارات مندرج در بودجه سالانه ذکر شده است و در ماده (۵) اساسنامه به آن تصریح نشده است، لذا از این حیث موجب تضییق حکم قانون و مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره ماده (۵) و ماده (۶)

با عنایت به اینکه در ماده (۵) قانون صرفاً به بانکها اشاره شده است، لذا حکم تبصره ماده (۵) و (۶) اساسنامه که شامل موسسات اعتباری و صندوقها نیز می شود، موجب توسعه محدوده قانون و از این حیث مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ت» ماده (۹)

تصویب آیین نامه های مالی، استخدامی، اداری و معاملاتی توسط هیئت امنای با توجه به صلاحیت هیئت وزیران مندرج در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، مغایر اصل مذکور است.

بند «د» ماده (۹)

اتخاذ تصمیم در مورد کاهش یا افزایش سرمایه صندوق با توجه به اینکه موضوع یاد شده جنبه اساسنامه ای دارد، لذا تفویض آن به نهادهای دیگر، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ذ» ماده (۹)

صلح و سازش و ارجاع به داوری و استرداد دعوی بدون تصریح به صلاحیت مراجع قانونی مندرج در اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی مغایر اصل مذکور است.

بند «ر» ماده (۹)

عبارت «و نیز مواردی که در جهت اهداف صندوق قرار دارد» به دلیل اطلاق آن که شامل موارد خارج از چهارچوب های قانونی و اساسنامه ای است، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های
آینده، که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود را اینها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع
نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه
حظ ضرورت کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه می‌درازا شود توجه نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۳۳)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تهران - صندوق پستی ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵